

## دیگرستیزی های شرق و غرب با روی کرد بر استعمار جدید و فرانکو

دکتر علی معموری\*

سید محمد عابدی\*\*

### چکیده

فرایند دیگرستیزی شرق و غرب، از آغاز تمدن های کهن تا زمان حاضر تداوم یافته است. این فرایند در عصر روشن گری و نهضت رنسانس به اوج خود رسید؛ زیرا گروه های فکری فعال سیاسی، به این فرایند شدت بخشیدند. پرسش اصلی مقاله این است که عناصر مجری این فرآیند چه کسانی بوده اند؟ و انگیزه های آنان چه بوده است؟ عناصر فعال و تأثیرگذار در این فرآیند را می توان به چند گروه عمده از جمله مستشرقان اسلام ستیز، شرق شناسان منصف و انواع استعمار سیاسی، فرهنگی، جدید و فرانکو، تقسیم نمود که هر کدام در جهت نیل به اهداف سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک خویش، به روش ها و راهبردهای گوناگون و انواع استعمارگری، توسل جستند.

انگیزه اصلی در نوشتار حاضر، این است که بتواند عناصر اصلی، اهداف و چالش های ناشی از این فرآیند که شرق و به خصوص جهان اسلام را تهدید می کند، بکاود و از لحاظ تاریخی ردیابی کند تا نظر خواننده محترم را به این مهم معطوف سازد.

روش ها و راه بردهای شرق و غرب در جهت برتری طلبی در برابر حریف، پژوهنده را ملزم می سازد تا برآیند این گونه عمل کرد را به شکل پژوهش های کاربردی انجام داده، به عنوان یک راه کار عرضه نماید.

### واژگان کلیدی

دیگرستیزی، شرق، غرب، استعمار جدید و استعمار فرانکو.

\* دکتری علوم و قرآن و حدیث

\*\* کار شناس ارشد، تاریخ معاصر جهان اسلام، جامعه المصطفی العالمیه.

## مقدمه

فرایند دیگرسطیزی شرق و غرب از زمان‌های بسیار دور مطرح بوده و همواره به صورت حمله‌های نظامی صورت می‌پذیرفته است؛ مثل حمله اسکندر مقدونی به مشرق زمین که تا دروازه‌های چین پیش‌رفت یا تقابل میان امپراتوری‌های ایران و یونان یا انتقال قدرت از هخامنشیان شرق به سلوکیان غربی و سپس به اشکانیان و ساسانیان. در این دوره‌های تاریخی، بیش‌تر نگرش‌های ژئوپولوتیک و جغرافیایی مطرح بود، اما بعد از طلوع خورشید اسلام، ناظر بر این که دعوت همگانی پیامبر اکرم(ص) توجه جهانیان را به سوی اسلام معطوف ساخت، مردم از سرزمین‌های مختلف از پیروان ادیان و مذاهب گوناگون به اسلام گرویدند. گسترش روز افزون اسلام، پایه‌های مسیحیت و کلیسا را متزلزل ساخت و مرکزیت آنان در غرب را به چالش کشانید. بر این اساس، دستگاه پاپ و کلیسا با کینه‌توزی، علیه دین اسلام به تبلیغات پرداختند. اقدامات کلیسا در برابر اسلام، در قالب جنگ‌های پی‌درپی نظامی شکل گرفت و تاریخ اسلام و مسیحیت را در دنیا لکه‌دار نمود. جنگ‌های صلیبی، نمونه روشن اقدامات کلیسا و پیروان آن به حساب می‌آید.

مسیحیان وقت که با قدرت، فرهنگ و تمدن مسلمانان مواجه شدند، ضربه‌های سختی را متحمل گردیدند ولی این بار در صدد راه‌کارهای جدید و جدی‌تری بر آمدند، لذا نقطه آغاز پدیده استعمار از همین مقطع شکل می‌گیرد. با این نگرش، نظام‌های سیاسی و استعماری به فکر چپاول و قدرت‌طلبی خویش افتاده، به سراغ کشورهای شرقی و عمدتاً اسلامی آمدند. گزینه استعمارگری، بسترهای لازم را در جهت برآوردن نیازهای ناشی از صنعت، تکنولوژی و تولید، نیز فراهم می‌ساخت. به عبارت دیگر، استعمارگران برای تأمین مواد خام و بازار مصرف، به سوی سرزمین‌های شرقی و اسلامی هجوم آوردند. در این مرحله، غربی‌ها بهترین گزینه را برای اهداف اقتصادی و تجاری انتخاب نمودند؛ چون مواد خام را با بهای اندک از ملل شرقی تأمین نموده، از آن طرف تولیدات خویش را با قیمت بسیار بالا به ملت‌های شرقی می‌فروختند. هم‌زمان با گسترش استعمار در جهان به خصوص در کشورهای اسلامی، شکل‌گیری نهضت‌های اصلاحی و فکری در جهان اسلام از یک‌طرف و به وجود آمدن سازمان ملل و دیگر سازمان‌های جهانی از طرف دیگر، مانع از حضور استعمار به صورت فیزیکی و نظامی گردید. با توجه به این، استعمارگران غرب در جست‌جوی راه‌های جدیدی از استعمارگری برآمدند، اما به صورت

بسیار خطرناک‌تر وارد صحنه شدند. ساختار وجودی استعمار جدید بر مبنای تهاجم فرهنگی بر کشور شرقی و اسلامی بوده است تا به فرهنگ ملل شرقی و اسلامی از راه‌های مختلف حمله قرار کنند. فرآیند استعمار در جهت برتری‌طلبی توقف‌ناپذیر بوده و در دو سه دهه اخیر با شکل جدیدتر بروز یافته است. روش و راه‌برد استعمار فرانو بر مبنای پیشرفته‌ترین ابزار و پیچیده‌ترین مسائل سیاسی و فرهنگی و صدها مسائل فریبنده استوار است.

بحث دیگر ستیزی‌های شرق و غرب را با این پرسش‌ها می‌توان آغاز نمود:

۱. عناصر و مجریان دیگرستیزی‌ها چه کسانی بوده‌اند؟

۲. اهداف آنان چه بوده است؟

۳. این فرآیند از چه زمان آغاز شده و در کدام دوره‌های تاریخی وجود داشته است؟

۴. چه راه‌کارها و روش‌هایی را در پیش گرفتند؟

### فرضیه

فرآیند دیگرستیزی شرق و غرب از آغاز تمدن‌های کهن وجود داشته و تا سده‌های پانزدهم به استثنای حمله اسکندر مقدونی، نفوق قدرت شرق همواره بر قدرت غرب وجود داشته است. بعد از ظهور نهضت علمی و رنسانس در اروپا، غربی‌ها در جهت برتری‌طلبی خویش در برابر رقیب، به روش‌های جدید متوسل شدند؛ از جمله پدیده استعمار و انواع آن که غربی‌ها در جهت نیل به اهداف سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک خویش به کار گرفتند. در مورد سؤال نخست، پژوهش‌گران و نویسندگان به گروه‌های مختلفی از مستشرقان اشاره کرده‌اند که می‌توانیم آنان را مجریان این پدیده به حساب آوریم؛ از جمله:

۱. دانش‌مندان مسیحی و یهودی که به شناخت ادیان شرقی به‌ویژه دین اسلام با اهداف خاص استعماری پرداخته‌اند (جهانبخش، ۱۳۷۹: ۳۲۲). یکی از کسانی که شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی را از این دیدگاه بررسی نموده، ادوارد سعید است. وی می‌گوید:

در اواسط قرن پانزدهم برای متفکران جدی اروپا این مطلب مسلم شد که درباره اسلام باید کاری کرد؛ زیرا که با اتکای به خود وضع را تقریباً دگرگون ساخته و با قدرت نظامی در اروپای شرقی ظاهر گردیده بود. ساترن داستانی درامی را از سال‌های بین ۱۴۱۵ تا ۱۴۶۰ میلادی نقل می‌کند که در آن چهار نفر از افراد عالم به

نام‌های جان از اهالی سوگو و نیکولاس از اهالی کوسا، ژانژرمن، و آئیناس سیلویوس کوشش کردند که با مسأله اسلام از طریق کنفرانس برخورد نمایند (سعید، ۱۳۷۱: ۱۱۵).

۲. شرق‌شناسانی که با رویکرد منصفانه درباره شرق و اسلام به تحقیق پرداختند؛ یعنی پژوهش‌های دانشمندان غربی درباره مشرق‌زمین. نکته مهمی که در این‌جا وجود دارد این است که این دانشمندان، معمولاً رویکرد منصفانه و محققانه داشته‌اند. در پرتو رنسانس و نهضت عقل‌گرایانه و علم‌گرایانه اروپا، حرکت شرق‌شناسی نیز اندکی رنگ تحلیل عقلی منصفانه گرفت و با توجه به مطرود شدن کلیسا و اغواهای جاهلانه و تهمت‌های بی‌اساس و مغرضانه تبشیری آن‌ها کم‌تر مورد قبول شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان قرار گرفته‌اند (زمانی، ۱۳۸۷: ۲۴۴).

۳. روی‌کرد دانشمندان غیر مسلمان اروپایی و امریکایی به فرهنگ و ملل شرق. این نوع شرق‌شناسی را به استعمار جدید هم تعبیر می‌کنند. سیاست‌بازان کارکشته استعمار چون به اهمیت فرهنگ و تأثیر آن در سرنوشت ملت‌ها پی بردند، لبه تیز فعالیت خود را در کشورهای مورد طمع خویش متوجه فرهنگ کردند و آن را به استخدام خود در آوردند. نقش فرهنگ استعماری به اندازه‌ای در استحکام پیوندهای استعمارزدگی ملت‌ها مؤثر و موفقیت‌آمیز است که حتی می‌توان معتقد شد که ایفای این نقش هرگز از دست نظامیان مسلح و نیروهای حرفه‌ای آنان ساخته نیست. (جهانبخش، ۱۳۷۹: ۳۲۲).

۴. دانشمندان شرقی که به شناخت فرهنگ و آداب و رسوم ملل سرزمین خود به روش و اهداف غربیان پرداخته‌اند بعد از پدیدار شدن شرق‌شناسی امریکاییان، شرق‌شناسی شرقی به وجود آمده که دولت‌های شرقی غیرمسلمان به آن پرداختند مانند روسیه. شرق‌شناسی روسیه نقش بزرگی در یاری رساندن به صهیونیسم برای جا باز کردن در فلسطین و ایجاد سرزمین‌های یهودی در قلب سرزمین عربی - اسلامی است (السوقی، ۱۳۷۶: ۹۶). گرچه پیشینه شرق‌شناسی به غرب بر می‌گردد، از قرن بیستم به بعد مستشرقان مشرق‌زمین نیز همانند استشرق غربی وارد صحنه شدند. جمعی از اسلام‌شناسان غیر مسلمان کشورهای شرقی مانند چین و ژاپن و هند، همگام با اسلام‌شناسان غربی، به پژوهش و داوری مثبت و منفی درباره اسلام و قرآن و مسلمانان و ویژگی‌های کشورهای اسلامی پرداختند و تلاش‌های علمی هر دو گروه دارای ماهیت یکسان است. از سوی دیگر، آثار علمی هر دو گروه، با ملاک یکسان در کار نقادی

اندیشه‌وران مسلمان قرار گرفته و تفاوت ملیتی و جغرافیایی آنان هیچ نقشی در نظر آن‌ها ندارد (زمانی، ۱۳۸۷: ۴۹).

بعد از شناخت این گروه‌های چهارگانه اکنون در جست‌جوی یافتن جواب برای سؤال دوم هستیم که آنان چه اهدافی را دنبال می‌کردند؟ مهم‌ترین اهداف شرق‌شناسان عبارتند از:

### ۱. اهداف دینی و مذهبی

با اندک ملاحظه به تاریخ گذشته مسلمانان و مسیحیان، تنش‌ها و درگیری‌هایی اتفاق افتاده، معلوم می‌شود که توجه به مسأله شرق‌شناسی از همان آغاز سودای توقف تأثیر اسلام بر جهان غرب را در سر داشت و سپس به راه خدمت به پروژه و تبلیغ مسیحیت در میان مسلمانان افتاد (ولایتی، ۱۳۸۴: ۶۷). گسترش شگرف اسلام در سده اول هجری و نفوذ آن تا قلب اروپا باعث تقابل میان اسلام و مسیحیت گردید. مسیحیان به جای شناخت دین جدید، به تحریف و انتقاد پرداخته، چهره‌ای کریه از اسلام به پیروان خود عرضه داشتند. مسلمانان در کم‌تر از یک‌صد سال توانستند از سمت غرب، تمام شمال آفریقا و بیش‌تر خاک اسپانیا را به تصرف درآورند و از سمت شرق تا کوه‌های هیمالیا و رود سند پیش روند (انجمن علمی ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷: ۸۰). این پیش‌روی و گستردگی اسلام را مسیحیان برتنبایدند، لذا کلیسا در مرحله نخست حرکت شرق‌شناسی، برخی از راهبان و کشیشان خود را به قصد بیزار ساختن اروپاییان از اسلام، به بررسی تحریف‌آلود این دین گماشت و نیز به همین منظور برخی مدارس تأسیس کرد تا افرادی را که متخصص در تحریف اسلام باشند، بیرون دهد تا آثار روانی منفی از اسلام متوجه اروپاییان سازد (السوقی، ۱۳۷۶: ۷۹). برخورد و رویارویی اروپا با شرق و به ویژه اسلام، پایه‌های این سیستم عرضه و نمایش شرق را تقویت نمود و به گفته هانری پیرن، اسلام را به ملخصی از یک شیء خارجی تبدیل نمود که تمام تمدن اروپا از قرون وسطا به بعد علیه آن پایه‌ریزی شده است. (سعید، ۱۳۷۱: ۱۳۲).

### ۲. اهداف سیاسی و استعماری

این هدف بعد از پیدایش رنسانس و نهضت علمی در غرب به وجود آمده است. ادوارد سعید می‌گوید:

اگر می‌بینید که در این بخش، به عوض محققین و صاحب‌نظران، مطلب را بیش‌تر

روی مأمورین حکومتی [استعماری] و سیاست‌سازان متمرکز کرده‌ام، به خاطر تأکید و تکیه بر جابه‌جایی عمده‌ای بود که [در این دوران] در شرق‌شناسی صورت گرفته است؛ بدین معنا که دانش در خصوص شرق، و مراوده و تماس با آن، از یک وجهه آکادمیک و دانشگاهی به صورت یک ابزار [در دست قدرتهای اروپایی] تبدیل شده است (سعید، ۱۳۷۱: ۴۳۹).

استعمار از میراث شرق‌شناسی بهره‌های فراوان برده و در راه تقویت و تحکیم موفقیت آن نیز کوشیده است و آن‌چنان که بسیاری از پژوهش‌گران یادآور می‌شوند، دوره پیشرفت یک‌باره نهادهای شرق‌شناسی، با اوج‌گیری دوران توسعه‌طلبی اروپا همراه شد (ولایتی، ۱۳۸۴: ۹۸).

### ۳. اهداف اقتصادی

اروپاییان برای به‌دست آوردن فضای حیاتی بیش‌تر، به فکر تصرف سرزمین‌های شرقی افتادند و عمده‌ترین هدف از آن، شناخت نیازهای اقتصادی - تجارتي شرق برای ایجاد بازارهایی در این کشورها بوده است (ولایتی، ۱۳۸۴: ۱۰۱). به همین مناسبت، همه دولت‌های اروپایی به عرصه شرق‌شناسی گام نهادند و در این عرصه با یک‌دیگر به رقابت پرداختند و این نه به سبب پیروزی حق و حقیقت، بلکه در جهت حرص هر چه بیش‌تر به دستیابی بر ثروت‌ها و گنجینه‌های شرق بود (السوقی، ۱۳۷۶: ۹۵). غربیان برای تأمین مواد اولیه ارزان با چپاول و غارت منابع مادی و امکانات اقتصادی کشورهای زیر سلطه، قراردادهای اخذ امتیاز را مطرح نمودند و با ایجاد بازار مصرف برای عرضه کالاهای تولیدی خود؛ حیات اقتصادی کشورهای مستعمره را به خود وابسته کردند و با سیاست تک‌محصولی نمودن اقتصاد آن کشورها و اختلال در شیوه معمول اقتصاد آن‌ها به اهدافشان دست یافتند (جهانبخش، ۱۳۷۹: ۳۲۹). یکی از نمونه‌های بارز اهداف اقتصادی و تجاری، کمپانی هند شرقی است. البته هدف از این کمپانی تنها اقتصاد و تجارت نبود و اهداف پنهانی در پشت این قضیه نهفته بود. غربی‌ها گام‌های مهمی برای محکم کردن جای پای خود در این سرزمین‌ها برداشتند که به‌طور عمده در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، تحصیلی و آموزشی بود. اولین نمونه سرزمین هند است که انگلستان با تأسیس شرکت هند شرقی، تعامل خود را با این کشور آغاز کرد. در سال ۱۶۱۵ کمپانی هند شرقی، فردی به نام توماس را به عنوان سفیر شاه جیمز اول نزد امپراتور جهان‌گیر هند منصوب کرد. در آن زمان، کمپانی هند شرقی کارخانه‌ای در محلی به‌نام صورت داشت. در

ضمن همه این کارخانه‌ها در مناطق ساحلی بودند، چون با کشف مسیرهای دریایی اغلب داد و ستدهای تجاری از طریق اقیانوس‌ها صورت می‌گرفت، در سال ۱۷۷۰ کمپانی هند شرقی فرمانی را از امپراتور جهان‌گیر در تأیید این فرد به عنوان نماینده بریتانیا دریافت کرد (مریجی، ۱۳۸۷: ۴۵).

#### ۴. اهداف فرهنگی

شاید بتوان گفت فرهنگ یونان تأثیر بسزایی در جوامع علمی شرق و مسلمانان داشته است ولی غربی‌ها بعد از نهضت علمی و رنسانس، کوشیدند عمداً فرهنگ شان را در شرق و به ویژه جهان اسلام گسترش دهند.

هنگامی که عرب‌های مسلمان با میراث معنوی یونان آشنا شدند، فرهنگ یونان مهم‌ترین مایه بیگانه بود که در زندگی عرب‌ها اثر روشن داشت. این شهرها از جمله مراکزی بود که فرهنگ یونانی از آن پرتو افکن بود. شهر «رها» که مرکز معتبر مسیحیان شام بود و «حران» که بت‌پرستان، «صابان» شام، در آنجا اقامت داشتند و «انطاکیه» که یکی از مستعمرات بی‌شمار قدیم یونان بود؛ «اسکندریه» که برخورد گاه فلسفه شرق و غرب می‌بود و جز این به عراق و شام دیرهای فراوان بود که در آنجا جز به مسائل دینی علوم و فلسفه نیز تعلیم می‌دادند (جهانبخش، ۱۳۷۹: ۱۶۱).

این‌که غرب در صدد سلطه فرهنگی بر شرق هست انکارناپذیر است و این مسأله را خودشان به صراحت گفته‌اند. ایجاد روحیه غرب‌زدگی و پذیرش ارزش‌ها و فرهنگ غربیان و غلبه تمدن غرب بر مشرق‌زمین، از اهداف اساسی خاورشناسان در غرب است، زیرا غربیان راهی طلایی‌تر برای وصول به اهداف خود جز حاکمیت بر شرق ندارند. این نظریه و تحلیل را «مستر رافائل پاتی» آن‌چنان مشروح و شفاف مانند یک تحلیل‌گر شرقی می‌نویسد که خوش‌باوران شرقی و صاحب‌نظران و نویسندگان مسلمان خوش‌بین دیگر تردیدی در قضاوت نداشته باشند (زمانی، ۱۳۸۷: ۲۳۵). غربی‌ها دریافتند که از راه نظامی نمی‌توانند بر شرق فایز آیند، راه جدیدتری در پیش گرفتند و آن استعمار فرهنگی است. در استعمار فرهنگی تخدیر افکار و فشار بردگی فکری خیلی بیشتر است و فکر مردم، بسیار بیش‌تر از استعمار مستقیم مسخ می‌شود. راه نفوذ در فرهنگ ملت‌ها، از مهم‌ترین راه‌هایی است که استثمارگران برای وصول به اهداف سیاسی و اقتصادی خود به آن متوسل می‌شوند. اگر فرهنگ ملتی با منافع استعماری آنان سازگاری نداشته باشد و

منافعشان را به خطر بیندازد، با هر نقشه ممکن می‌کوشند تا به نحوی به آن فرهنگ نفوذ نمایند و آن را از صور حقیقی خارج سازند (زمانی، ۱۳۸۷: ۲۳۶).

### اهداف علمی و تحقیقی

تاریخ شرق‌شناسی، علاوه بر این که روش خصمانه غربیان نسبت به شرق به ویژه جهان اسلام را در خود ثبت نموده است، تحقیقات علمی و منصفانه عده‌ای از محققان را نیز نشان می‌دهد. از قرن هیجدهم به بعد، در فضای آکنده از روح بدبینی نسبت به اسلام و مسلمانان، از اظهارنظرهایی به دور از کینه‌توزی‌ها در پاره‌ای از آثار اسلام‌شناسان بروز یافت که بعدها به جریانی نسبتاً قوی تبدیل شد. افرادی چون ادوارد سیل، سیوری، گوتیه، اوگوست کنت، اسپنگلر، نیچه، ادوارد فون هتمان و کارلایل، هر کدام اسلام و پیامبر(ص) را ستوده‌اند (الویری، ۱۳۸۱: ۲۰۰). عده‌ای از نویسندگان بر این عقیده‌اند که شرق‌شناسی جدید، بر خط مشی مستشرقان قدیم حرکت می‌کنند اما بسیار ماهرانه و در قالب تحقیقات علمی «خلاصه آن که اندیشه شرق‌شناسی معاصر، از غرض و هدف شرق‌شناسی قدیم دور و جدا نشده و می‌کوشد تا با به کارگیری شیوه‌های مناققانه، فریبنده و گمراه کننده، هم‌چنان به تحریف و تخریب اسلام بپردازد» (السوقی، ۱۳۷۶: ۱۱۹). در این زمینه یکی از محققان چنین نگاشته است:

گرچه جریان درازمدت شرق‌شناسی سرشار از خیانت‌ها، تهمت‌ها و دروغ‌هاست، اما چنان که قرآن کریم (آل عمران / ۷۵؛ مائده / ۸۲) به ما می‌آموزد درس تیزبینی و تفکیک و تمیز چهره‌های خادم از خائن پیروان دیگر ادیان آسمانیست. در لابه‌لای تاریخ تلاش‌های شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان، شاهد بررسی‌های علمی بی‌طرفانه و منصفانه، بلکه درخشش‌های نو و چه بسا گرایش‌های خداپسندانه و حق‌طلبانه چهره‌های برخی مستشرقان هستیم که با شعله‌های قلم و بیان خود، پرده ظلمت و جهالت را دریده و پرده از روی حقانیت اسلام و قرآن کنار زده‌اند (زمانی، ۱۳۸۷: ۲۴۳).

تاکنون به این دو پرسش جواب داده شد که ماهیت دیگرستیزی‌ها چیست و اهداف آنان چه بوده است. اکنون به پاسخ سؤال سوم می‌پردازیم که در کدام دوره‌های تاریخی این دیگرستیزی‌ها وجود داشته است؟ در این قسمت، بر اساس دوره‌های مهم تاریخی به سه مرحله اشاره خواهد شد:



## الف) مرحله قبل از میلاد

بر اساس تحقیقات که صورت گرفته، صاحب‌نظران دیدگاه‌های گوناگونی درباره آغاز مطالعات شرقی در غرب ابراز کرده‌اند. برخی آغاز خاورشناسی را به عصر تمدن یونان قدیم مربوط می‌دانند؛ در صورتی که اگر یونان را بخشی از غرب بدانیم، باید بگوییم قدیم‌ترین دیدگاه‌های غرب نسبت به شرق در آثار ادبی و تاریخی بازمانده از آن دوران منعکس است. (الویری، ۱۳۸۱: ۲۷-۲۸) برخی دیگر از محققان بر این عقیده‌اند که تاریخ عمومی جهان از ۲۶ قرن پیش، شاهد رقابت‌های سنگین و مستمر بین شرق و غرب بوده است؛ همانند کشاکش قدرت بین دو امپراتوری بزرگ ایران و یونان از قرن ششم قبل از میلاد، جهان‌گشایی‌های اسکندر مقدونی پادشاه جوان یونان و لشکرکشی وی تا دروازه‌های چین، انتقال قدرت از هخامنشیان شرق به سلوکیان غربی و سپس به اشکانیان و ساسانیان (جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶: ۹).

نکته جالب توجه این که دیگرستیزی‌های شرق و غرب در عهد کهن، بیش‌تر به صورت درگیری‌های فیزیکی بوده است. در قرن‌ها پیش از میلاد، فینیقی‌ها و مصری‌ها با یونانی‌ها در حالت جنگ و صلح می‌زیستند. جنگ‌های طولانی ایران و یونان، صفحاتی بسیار از کتب تاریخ را به خود اختصاص داده است. عده‌ای این دیگرستیزی‌های شرق و غرب را با توجه به وقوع بیش‌تر جنگ‌های داریوش و خشایار شاه با یونان در تنگه بسفور و داردانل و اطراف دریای سیاه و دریای اژه و نیز عبور اسکندر مقدونی از همین منطقه برای لشکرکشی به آسیا، تلاش برای چیرگی بر آن که نقش اقتصادی مهمی داشته می‌دانند (الویری، ۱۳۸۱: ۲۴).

## ب) مرحله بعد از ظهور اسلام

این مرحله را به دو دوره زمانی می‌توان تقسیم کرد:

### ۱. از ابتدا تا جنگ‌های صلیبی

بعد از ظهور دین مبین اسلام و بعثت پیامبر(ص) و دعوت جهانی آن حضرت، تعداد زیادی از غریبان هم‌چون شرقیان، به سوی اسلام گرایش پیدا کردند و روزبه‌روز بیش‌تر شدند. به سبب، خاطر دستگاه سیاسی حاکم در غرب و فرمان‌روایان کلیسا و پاپ با یک‌دیگر متحد شدند و احساس خطر نمودند که در نتیجه علیه اسلام برخاستند (ولایتی، ۱۳۸۴، ۱۰۴). در عصر نبوت، علاوه بر برخوردهای علمای مسیحی در خود جزیره‌العرب با

پیامبر داشتند، برخورد دیگر اسلام و مسیحیت از طریق تماس‌ها و سپس برخوردهای نظامی بود که بین مسلمانان و امپراتوری روم واقع شد (جهانبخش، ۱۳۷۹: ۲۵).

یکی از پژوهش‌گران درباره کینه‌توزی‌های کلیسا در برابر اسلام چنین نگاشته است:

روحیه اسلام‌ستیزی کلیسا یکی از بارزترین این نمونه‌ها به شمار می‌رود. کلیسا در مرحله نخست حرکت شرق‌شناسی، برخی از راهبان و کشیشان خود را به قصد بیزانس ساختن اروپاییان از اسلام، به بررسی تحریف‌آلود این دین گماشت و نیز به همین منظور برخی مدارس تأسیس و افرادی را که متخصص در تحریف اسلام هستند، بیرون دهد تا آثار روانی منفی از اسلام متوجه اروپاییان سازد و در حرکت دوم شرق‌شناسی، ستیز گسترده را علیه این دین مقرر داشت (السوقی، ۱۳۷۶: ۷۹).

قبل از آن که اسلام دروازه‌های غرب را بگشاید و وارد خاک آندلس شود، مسلمانان فتوحات را از مصر، آفریقایه و مغرب آغاز کردند. با ورود اسلام در این مناطق، مردم بومی منطقه و به‌ویژه مسیحیان، رفتار نیک و مسالمت‌آمیز مسلمانان با مردم و مسیحیان را دیدند که آزادی در دین و عبادت را به همه مردم اعلام می‌کردند. این رفتار درست مخالف آن چیزی بود که تجاوزگران و اشغال‌گران امپراتوری روم شرقی، قبلاً با مردم داشتند، لذا بسیاری از مردم به اسلام تمایل پیدا کردند، به گونه‌ای که در مرحله بعد، فاتحان آندلس از میان همین مسلمانان شمال آفریقا و بربرها بودند نه فاتحان اعراب که قبلاً شمال آفریقا را فتح کرده بودند. مسلمانان با درهم شکستن توان مرکزی قدرت و سلطنت اسپانیا، سایر مقامات محلی را نیز تضعیف کردند و تا سال ۷۱۵ میلادی به تدریج شهرها و مراکز اصلی اسپانیا را به تصرف خویش درآوردند (رهنمایی، ۱۳۸۵: ۷۴).

تأثیر اسلام در اروپا به‌گونه‌ای بود که خود اندیشه‌وران غربی با صراحت می‌گویند: اسلام نه تنها در تولیدات مادی و اختراعات تکنولوژی اروپا شریک است و نه تنها اروپا را از نظر عقلانی در زمینه‌های علم و فلسفه برانگیخت، بلکه اروپا را واداشت تا تصویر جدیدی از خود به وجود آورد (رهنمایی، ۱۳۸۵: ۷۵).

## ۲. جنگ‌های صلیبی

هر چند بررسی تاریخ جنگ‌های صلیبی در این قسمت نمی‌گنجد، می‌توان به صورت گذرا درباره تاریخ این فرآیند و علت و پی‌آمدهای آن نگریست:

جنگ‌های صلیبی یک رشته جنگ‌های خونین در طول دو قرن میان مسیحیان اروپایی و مسلمانان خاورمیانه عربیست.... علل اصلی به وجود آمدن این جنگ‌ها،

مربوط به تحولات دینی، سیاسی، اقتصادی و انسانی اروپا بود اما میدان نهایی جنگ قلمرو مسلمانان بود. بنابراین، آثار تخریبی این جنگ‌ها و ویرانی‌ها، بر مسلمانان زیان فراوانی وارد کرد. این جنگ‌ها اگرچه با پیروزی سیاسی و نظامی مسلمانان به پایان رسید، اما اروپاییان نیز از آن بهره‌های اقتصادی، تمدنی و فرهنگی فراوان بردند؛ زیرا جنگ‌های صلیبی موجب آشنایی اروپاییان با مشرق‌زمین و به‌خصوص تمدن با شکوه اسلامی شد. در حقیقت جنگ‌های صلیبی زمینه‌ساز انتقال دست‌آوردهای تمدنی اسلامی به اروپا شد (کیهان، ۱۳۸۰: ۸).

با گسترش اسلام به ویژه در اسپانیا، علمای مسیحی دریافتند که این دین با تعالیم و دستورهای عالی خود و سرعت پیشرفتی که دارد، موقعیت آنان را تهدید می‌کند؛ آن‌ها از قدرت، امکانات و رشد جمعیت مسلمانان و وحدت آنان دچار هراس شدند، لذا کوشش خود را در جهت تضعیف و نابودی آن به کار بستند. در جهت همین تلاش‌ها، «پاپ‌ها به طرق مختلف، مردم را به جنگ و مبارزه با مسلمانان مناطق مختلف تشویق نمودند. سپس با سخن‌رانی پاپ اوربان دوم در کلرمنت به سال ۱۰۹۵ میلادی که به منظور جلب کمک مردم جهت حمایت مسیحیان شرق صورت گرفت، احساسات عمومی در اروپای غربی شدت یافت و شعله‌های جنگ‌های صلیبی افروخته شد» (جهانبخش، ۱۳۷۹: ۸۲).

دوران جنگ‌های دویست ساله صلیبی خاتمه یافت؛ اما درباره آثار و پی‌آمد این جنگ‌ها می‌تواند پژوهش‌هایی صورت گیرد تا خسارات ناشی از آن‌ها آشکار نماید. بنابر واقعیت‌های عینی و تاریخی، این جنگ‌ها برای غربی‌ها بسیار سودمند بود:

بر اثر جنگ‌های صلیبی و با تحولات ناشی از روابط شرق و غرب در این دوران، هوای تازه از شرق به غرب دمیدن گرفت. کسانی که در اسپانیا با مسلمانان سرو کار داشتند، با کسانی هم گام شدند که در اثر روابط با مسلمانان در جنگ‌های صلیبی، میل به زندگی نوع شرقی یافته بودند. چون برخی از روشن‌فکران غربی در نزد استادان اندیش‌مند اسلامی در اسپانیا رفته بودند و با کتابخانه یونانی - عربی‌اش از شهر طلیطله به خانه باز می‌گردیدند. دانشگاه پاریس مرکز فعالیت‌های روشن‌فکری می‌گردد و آثار ابن سینا و ابن رشد از عربی به لاتین ترجمه و تدریس می‌شوند (رهبانی، ۱۳۷۹: ۱۲۲).

### ج) مرحله بعد از قرن شانزدهم و دوران استعمار

قبل از آن‌که به بحث استعمار بپردازیم، به این نکته اشاره کنیم که استعمارگران با روش‌های مختلف به سراغ ملت‌های شرقی و اسلامی آمدند. همان‌گونه که اهداف

استعمار متفاوت بود، روش و عملکرد آنان نیز تفاوت داشت. بدین لحاظ امروزه در محافل سیاسی و علمی به عنوان استعمار قدیم و جدید مطرح می‌گردد (ناردو، ۱۳۸۶: ۹۵). با این رویکرد می‌توان درباره استعمار و انواع آن بازکاوی و تحقیق کرد.

### ۱. روش‌ها و راهکارهای استعمار در برابر شرق و جهان اسلام

در دوران استعمار قدیم، غربی‌ها با دو روش علیه شرق و مسلمانان اقدام نمودند:

#### الف) حمله نظامی

استعمارگران برای تصرف اراضی کشورهای مستعمره حمله نظامی می‌کردند که حمله ناپلئون بناپارت به مصر یکی از نمونه‌های بارز آن است. مصر در آن زمان قسمتی از امپراتوری ترکان عثمانی به شمار می‌رفت. لشکرکشی بزرگ به شرق با وجود پیروزی‌ها و بعضی افتخارات نظامی یک شکست بود. ناپلئون در این جنگ عده زیادی از دانشمندان و استادان را با کتاب‌های متعدد و لوازم گوناگون همراه خود به مصر برده بود (نهر، ۱۳۷۷: ج ۲، ۷۴۴). آنان شعار حمایت از مملوکان و تساوی حقوق آنان با مسلمانان و عرب‌ها را برای جنگ با مسلمانان در پیش گرفتند. استفاده ناپلئون از محققان و اندیشه‌وران برای ارتباط خودش با افراد محلی بود. ناپلئون ضمن تأسیس انجمن شرق‌شناسی مصر، کتاب‌های سیاحان قبلی را نیز با خودش آورده بود (زمانی، ۱۳۸۷: ۱۳۲). یعنی وی از کتب سیاحان که قبلاً اوضاع و حالات روانی و جامعه‌شناختی مردم منطقه در آن‌ها، شناسایی شده بود، استفاده کرد. انیستیتوی شرق‌شناسی که ناپلئون تأسیس کرده، از همان شروع اشغال‌گری مراقب بود تا جلسات انیستیتو مرتباً برگزار شود. در این جلسات گروه‌های مختلفی از شیمی‌دانان، مورخان، زیست‌شناسان، باستان‌شناسان، جراحان و عتیقه‌شناسان حضور داشتند. این گروه‌های شرق‌شناس، مرتب اطلاعات مصر را در جهت اهداف ارتش تعقیب می‌کردند. یکی از ترفندهای شرق‌شناسان برای اغوای مردم، این بود که به سیاست‌مداران و نظامیان سفارش می‌نمودند که هنگام تهاجم به کشورهای اسلامی طرح داعیه اسلام‌خواهی و احیای حقوق اسلامی و به کارگیری عالمان دینی را در نظر بگیرند (زمانی، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

#### ب) سفرهای علمی و تحقیقی

کینه‌توزی مسیحیان و غرب تنها به قرون وسطا منحصر نبود. آن‌ها حقارت‌ها و کینه‌هایی که در دوران جنگ‌های صلیبی از مسلمانان در دل داشتند، این بار به‌گونه دیگر

در قالب سفرهای اکتشافی در کشورهای شرقی و اسلامی بروز دادند. هدف اصلی آنان مبارزه با مسلمانان بود که به شکل‌های مختلف ادامه داشت (زمانی، ۱۳۸۷: ۱۸۹). فعالیت شرق‌شناسان بسیار ماهرانه و فریبنده بود. بعد از آن که دستگاه پاپ در برابر ترکان عثمانی به ویژه بعد از تصرف جزایر بالکان در زمان حکومت‌های سلطان سلیم اول و سلیمان قانونی، دچار ضعف شد، در این زمان از یک‌طرف روابط دوستانه دستگاه پاپ با دولت فرانسه و از طرف دیگر حسن روابط با امپراتوری اسلامی عثمانی؛ موقعیت را برای جمع‌آوری نسخه‌های خطی کتب شرقی و اسلامی توسط هیأت‌های فرانسوی و دیگر چپاول‌گران فراهم ساخت و این بهترین گزینه برای رسیدن به اهداف استعمار بود که صورت پذیرفت (زمانی، ۱۳۸۷: ۲۸۱).

راه‌کارهایی را که اروپاییان در این مقطع تاریخ برگزیدند، بسیار مناسب و کم‌هزینه و بدون جنگ و نزاع و در عین حال ماهرانه و مؤثر بود.

یکی از روش‌های تهاجم مغرب زمین علیه فرهنگ و اعتقادات اسلامی در قالب پژوهش‌ها و تحقیقات اسلام‌شناسی صورت گرفت که برخی از پژوهش‌گران غربی با عنوان مستشرق یا خاورشناس در این‌راه به تلاش برخاستند و جریان خاورشناسی، با ظاهری آراسته به اسلوب تحقیق و نقد و بررسی علمی و کاوش و پژوهش در موضوعات اسلامی شکل گرفت. در حقیقت این‌بار به بهانه تحقیق و اسلام‌شناسی، همان اهداف کینه‌توزانه قرون وسطایی تعقیب می‌شد. با این انگیزه سیل شرق‌شناسان و پژوهش‌گران غربی به سوی شرق و از جمله ممالک اسلامی روانه شدند (جهانبخش، ۱۳۷۹: ۲۵۳).

## ۲. استعمار جدید

استعمار جدید را می‌توان به دو نوع تقسیم نمود:

### الف) استعمار نو

روش‌ها و راه‌کارهای استعمار نو بر بنیان مبارزه فرهنگی استوار بود. استعمارگران در کشورهای شرقی و اسلامی با حضور فیزیکی خویش، فرهنگ ملت‌های شرقی را هدف قرار داده، راه‌های مبارزه با فرهنگ اسلامی را در پیش گرفتند. آنان در این زمینه، می‌کوشیدند رابطه مردم با فرهنگ و سننشان را قطع کنند تا فرهنگ غربی را جای‌گزین فرهنگ اصیل اسلامی و بومی‌شان نمایند. استعمار نو سعی داشت علاوه بر مهجور ساختن قرآن و احکام آن، در اخلاق فردی، اجتماعی، خانوادگی، پوشش و حجاب اسلامی،

از راه‌های گوناگون با عناوین فریبنده «تجدد» و «تمدن» دخالت نماید (جهانبخش، ۱۳۷۹: ۳۲۴). یکی از پژوهش‌گران در این زمینه نگاشته است:

استعمار در مبارزه خود، سراغ عامل اصلی و مهم که «فرهنگ» ملل اسلامی بود، رفت و تجزیه فرهنگی را شروع کرد. با گسیل داشتن گروه‌های مختلف تبلیغی و تبشیری و تحقیقی و با ایجاد سازمان‌ها و مؤسسه‌های مردم‌فریب به نام بیمارستان و غیره، کوشید رابطه فرهنگی امت‌های مسلمان را با خود اسلام و از طرف دیگر، پیوندهای اسلامی اقوام مسلمان را در درون جامعه خود با هم و با جوامع اسلامی دیگر سست یا قطع کند (جهانبخش، ۱۳۷۹: ۳۲۶).

سیاست‌مداران کار کشته غرب با ایجاد تغییر روش در مسأله شرق‌شناسی؛ کار چندین ساله استعمار نظامی‌گری را یک‌شبه طی کردند که با وارد شدن از راه تهاجم فرهنگی بر ملت‌های مورد نظر، موفقیت‌های چشم‌گیری نصیب شان گردید (جهانبخش، ۱۳۷۹: ۳۲۷).

دولت‌های استعمارگر بعد از استقلال یافتن کشورهای مستعمره نیز دست از تهاجم بر نداشتند، اما این‌بار به شکل و قامت جدید و طرح‌های نو مثل پیمان‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بود که با کشورهای مستعمره بستند. کشورهای انگلیس و فرانسه شیوه‌ای مانند هم‌کاری به کار بردند و با مستعمرات پیشین خود پیمان‌های اقتصادی، نظامی و فرهنگی بستند (توکلی، ۱۳۸۵: ۸۰).

#### ب) استعمار فرانسه

در گفتمان استعمار فرانسه به مباحثی می‌توان اشاره نمود که عمدتاً در محافل علمی و سیاسی مطرح می‌شود. نگرش اکثر سیاست‌مداران در مورد این پدیده چنین است:

امروزه تحولات جهانی، روند پرشتابی را طی می‌کند و جهان را با فرآیند شکل‌گیری استعمار فرانسه آشنا می‌سازد. مفهوم واژه استعمار فرانسه از مفاهیم جدیدی است که وارد ادبیات و گفتمان سیاسی حاکم بر نظام بین‌المللی گردیده است. این مفهوم برای اولین بار توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران «حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» دام‌ظله‌العالی در دیدار با مسئولان صدا و سیما مطرح گردید. (hawzah.net)

استعمار فرانسه در واقع اشغال غیرمستقیم کشورهاست بدون این‌که اعتراضی از طرف مردم صورت بگیرد و با عبور از حاکمان سیاسی، جهان را دست‌خوش تحول خویش قرار

می‌دهد. با ظهور انقلاب اسلامی ایران به رهبری حکیمانه و مدیرانه رهبر کبیر عصر حضرت امام خمینی (ره) و در پی آن بیداری امت اسلامی در سراسر جهان، دیگر جای پا برای استعمار و استکبار باقی نماند، لذا استعمارگران مجبور شدند تا خطمشی جدیدی را در برابر امت اسلامی در پیش گیرند. (hawzah.net)

با گسترش ارتباطات به‌طور فزاینده به وسیله شبکه‌های اطلاعات و فناوری مانند رسانه‌های مختلف اینترنت، ماهواره، روزنامه و نرم‌افزار، ترویج هم‌گرایی و تجانس فرهنگ‌ها به گونه‌ای در حال شکل‌گیری است که از طرف غربی‌ها به ویژه امریکا، مسأله جهانی شدن (دهکده جهانی) مطرح گردیده است. استعمار فرانو با نفوذ اجتماعی و فرهنگی که در کشورها، باورها، تصورات، ارزش‌ها و سنت‌های جوامع پیدا کرده، هنجارهای رفتاری و روش زندگی‌شان را به کشورهای دیگر تحمیل می‌کند. در این فرایند، وضعیتی به وجود می‌آید که فرهنگ استعمار، به شکل مخفیانه و غیر قابل حس و ناخواسته در اعماق باورهای دینی، فرهنگی و عقیدتی مردم رسوخ می‌کند. (blogfa.com) در این مرحله، استعمار فرانو، بیشتر روی ارتباطات و پیوندها تمرکز داشته، به سراغ ملت‌ها می‌روند. به عقیده یکی از نویسندگان:

در مرحله استعمار نو، ویژگی استعمارگری، اتکای آن بر ایجاد و تقویت پیوندها و روابط سلطه‌آمیز و نامتقارن اقتصادی بود که بیش از امپریالیسم سیاسی رابطه استعمارگرایانه نامرئی و دور از دسترس می‌ساخت. با توجه به این که این ویژگی در مرحله امپریالیسم فرهنگی به حد نهایی خود می‌رسید، در بهترین حالت صاحب‌نظران، دوره جدید را تداوم امپریالیسم فرهنگی قلمداد می‌کنند (کچویان، ۱۳۸۳: ۵۶).

نگرش‌های موجود در بحث استعمار، این سؤال را مطرح می‌کند حالا که غربی‌ها به صورت گسترده، فرهنگ و سنت ملت‌ها را هدف گرفته‌اند، وظیفه اصلی و بنیادین ملت‌های شرقی و اسلامی در این زمینه چیست؟ با توجه به ابعاد این هجوم، پیدا کردن این پاسخ کار چندان مشکلی نیست. چون وقت شیوه‌های تهاجم معلوم بود، راه کارهای آن نیز روشن می‌گردد. با وجود این، محققان در این زمینه راه کارهایی پیشنهاد داده‌اند. برای نمونه، یک از محققان نگاشته است:

ما باید عظمت خود را به درستی درک کنیم و تصور نکنیم که مسأله ساده‌ای است. باید متوجه باشیم که استعمار می‌خواهد دین ما را به عنوان با ارزش‌ترین پدیده

هستی از ما بگیرد؛ اندیشه‌های اخلاقی ما را که باید جانمان را فدای آن نماییم از بین ببرد؛ تربیت اجتماعی و فردی و خانوادگی ما را بگیرد و اگر این روند ادامه پیدا کند نسل آینده ما نه ایمان محکمی خواهند داشت، نه شناختی یقینی، نه جهان‌بینی روشنی، نه دستگاه ارزشی محکمی و نه رفتار ثابتی که از هویت فرهنگی خودش باشد (ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۹۱).

البته این کار وقتی امکان‌پذیر است که بتوانیم ویژگی‌های استعمار را بشناسیم؛ در غیر این صورت، نمی‌توانیم به آسانی جلوی استعمار را بگیریم. ناگفته نماند که در این زمینه، بعضی از پژوهش‌گران و نویسندگان، ویژگی‌های استعمار را چنین برشمرده‌اند:

۱. اولویت سلطه فرهنگی بر سیطره نظامی؛
  ۲. توجه به کانون‌های سرمایه‌داری جدید در جهان سوم برای تحقق استعمار؛
  ۳. کم‌رنگ کردن نقش دولت‌ها؛
  ۴. از بین بردن نظم داخل کشورها از طریق ایجاد شورش‌های جمعی؛
  ۵. از میان برداشتن امنیت فردی و اجتماعی و یک‌نواخت کردن دنیا؛
  ۶. ترویج عناصر فرهنگی بیگانه از طریق جاذبه‌های تولید رسانه‌ای (ماهواره، اینترنت و سینما)؛
  ۷. وابستگی اقتصادی و گسترش بازار مصرف (زارعی نژاد، ۱۳۸۷: ۸۹).
- این ویژگی‌ها را می‌توانیم امروزه در همه‌جا ببینیم که اگر زودتر اقدام نکرده، همه‌چیز در کام استعمار به خصوص استعمار فرانو فرو خواهد رفت.

### نتیجه

فرآیند دیگرستیزی‌های شرق و غرب، از آغاز تمدن‌های کهن وجود داشته است. می‌توان گفت تا قرن پانزدهم به جز حمله اسکندر، جناح شرق همواره به‌طور فزاینده به برتری دست یافته است، اما با ظهور و رشد رنسانس و نهضت علمی در اروپا، تغییر و تحول بنیادین در غرب به وجود آمد. بر این اساس، غربی‌ها با به‌کار گرفتن روش‌ها و راه‌کارهای جدید، توانستند در جهت نیل به اهداف سیاسی و استعماری خویش فایز آیند. روش‌ها و راه‌کارهای غرب در قالب‌های نو و مکانیسم‌های جدید، بسیار فریبنده و خطرناک بروز یافته و نمونه‌های بارز آن پدیده‌هایی چون شرق‌شناسی، استعمار و انواع آن است.



## منابع

۱. ابراهیمی، عبدالجواد، *تهاجم فرهنگی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.
۲. انجمن علمی ادیان و مذاهب، *مجموعه مقالات اسلام‌ستیزی در غرب*، قم: احیاگران، ۱۳۸۷.
۳. توکلی، مهران، *استعمار، استعمارگری، استعمارزدائی جهان سوم*، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
۴. جهان‌بخش، ثواقب، *نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۹.
۵. رهبانی، مرتضی، *فرهنگ شرق و غرب*، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۶. رهنمایی، احمد، *غرب‌شناسی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.
۷. زارعی‌نژاد، غلام‌حسین، *نشریه ماه‌نامه معارف*، ۱۳۸۷.
۸. زمانی، محمدحسن، *شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۹. سعید ادوارد، *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۰. السوقی، محمد، *سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی*، ترجمه رضا افتخارزاده، تهران: نشر هزاران، ۱۳۷۶.
۱۱. کچویان، حسین، *نشریه کیهان*، ۱۳۸۳.
۱۲. مریجی، شمس‌الله، *چالش‌های فراروی غرب و مسلمانان*، ترجمه سیدعبدالمجید طباطبایی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۱۳. ناردو، دان، *عصر استعمارگری*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۶.
۱۴. *نشریه کیهان*، شهریور ۱۳۸۰.
۱۵. نهرو، جواهر لعل، *نگاه به تاریخ جهان*، ترجمه محمود تفضلی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۷.
۱۶. ولایتی، علی‌اکبر، *نشریه همشهری*، ۱۳۸۴.
۱۷. الویری، محسن، *مطالعات اسلامی در غرب*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب

علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۸۱.

18. [blogfa.com](http://blogfa.com).

19. [hawzah.net](http://hawzah.net).

